

متن پرسش

سلام. در ابتدا بشدت التماس دعا دارم در این ایام غمناک. استاد گرانقدر! ظاهرا در مورد پدیده احمدی نژاد به چیزی رسیده اید که شاگردان ریز و درشت به هیچ وجه قادر به درک و همدلی و هم ساحتی در آن نیستند. اولاً از شما خواهش میکنم که تاملی بفرمایید؛ بالاخره این شاگردان با تفکر و عالم دینی شما بزرگ شده اند و اکنون قریب به اتفاق آنها نظری مخالف با نظر شما در این زمینه دارند. آیا این احتمال را نمیدهید که شاید نظرات اخیرتان، به این شدت صحیح نبوده و شما اشتباهاتی داشته اید؟ کدام مبنا است که شما را در مقابل اکثر شاگردان تربیت شده خودتان قرار داده است و به هیچ وجه ذره ای از آن کوتاه نمی آید؟ و اما سوال دوم؛ تمنا میکنم که تحلیلی هم از آن طرف ماجرا ارائه دهید، یعنی جبهه پایداری! شما می فرمایید آن احمدی نژادی که در دولت نهم نیروهای انقلاب را جمع کرده و نماد کار انقلابی بود، با نزدیکی به جناب مشایی همه را از دور خود فراری داد و عملاً با جدا شدن از طیف وسیعی از انقلابی ها، دیگر نتوانست نسبتی با ارزش ها و آرمانهای متعالی امام برقرار کند. استاد عزیز! چرا از آن طرف به ماجرا نگاه نمی کنید؟ همین آقایان فتاح، لنکرانی، محصولی و... که شما بسیار به آنها استناد میکنید، جملگی اذعان داشته اند که پیشنهاد همکاری احمدی نژاد را برای همکاری در دولت دهم رد کرده اند!! من هم قبول دارم که نزدیکی احمدی نژاد به مشایی افراطی بود، ولی خواهشا کمی هم در باره این رفتارهای زشت عزیزان پایداری صحبت کنید تا خدای ناکرده از جانب ناخودآگاه ما متهم به بی انصافی نشوید! آیا این رفتار برادران پایداری مصداق خیرخواهی بود که اینچنین دور احمدی نژاد را خالی کنند و شروع به تخریب شدید او (در شرایط تحریم های بی سابقه و کمرشکن) بکنند؟ قبول که کار احمدی نژاد اشتباه! آیا رفتار آنها و کنار کشیدن شان علی رغم پیشنهاد همکاری و مصاحبه های متعدد تخریبی و نیش دار، شایسته بدترین تقاص ها نیست؟ به فرض که تشخیص آقای مصباح کاملاً درست بود؛ آیا سخنان ایشان با این ادبیات کوبنده و تخریبی، واقعا کار را بهتر میکرد؟ دولتی که در مواجهه با شدیدترین و بی سابقه ترین حجم حمله استکبار جهانی بود و در هر فرصتی مورد تایید رهبر عزیز قرار میگرفت را با بدترین الفاظ و تهمت ها مورد حمله قرار میدادند و شما این را تشبیه میکنید به ناله های مادر سادات!! همه انتقادات شما از احمدی نژاد درست! ولی این لحن ملایم انتقاد به دوستان جبهه پایداری واقعا انصاف یا درک سیاسی شما را برای ما خدشه دار میکند. اگر قرار است برای آینده درس بگیریم، مطمئناً زشتی و کم خردی کار پایداری ها و بزرگان شان، شایسته تامل بسیار زیادی است! نه اینکه بگوییم با آنها دشمنی کنیم ولی میگوییم که بزرگی کار نادرست پایداری و علامه مصباح در مدیریت و مواجهه با اشتباهات مورد هجمه

ترین رئیس جمهور کشور ، باید بسیار مورد نقد قرار بگیرد تا در آینده در دام چنین اشتباهاتی گرفتار نشویم. و در آخر ؛ همه این جسارت ها از جانب کسی بود که شرم دارد حتی نام شاگردی شما را بر خود بگذارد و در هر سفر زیارتی شکر و دعا میکند سید و استاد را خود که به لطف خدا بر سر راهش قرار داده شده.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سخن آن رفیق را که پیش نهاد کرده بودند ادامه‌ی این بحث کافی است را درست می دانم با این همه به امید آن که ماوراء بحث‌های گذشته بر آن عقلی که باید بیش از پیش رجوع کنیم عرایضی را خدمتان مطرح می‌کنم. بنده وظیفه‌ی خود می‌دانم همین دوستانی که برشمردید را دعوت کنم جهت بازخوانی تاریخ گذشته برای حضوری عالمانه در تاریخ آینده. با این نوع نگاه که به دنبال مقصر باشیم تا دل‌تان بخواهد می‌توانیم مقصر پیدا کنیم، با این که اطلاعات بنده نسبت به آقایانی که در رابطه با جبهه‌ی پایداری نام بردید که آقای احمدی‌نژاد دعوت به همکاری کردند، غیر از آن چیزی است که شما می‌فرمایید. ولی بر فرض صحت سخن جنابعالی، در بازخوانی آنچه در جبهه‌ی خودی‌ها گذشت باید در نگاهمان تجدید نظر کنیم و حیف است که رفقا در کنار همدیگر بنشینند و تنها دلایل صحت نگاه خود را برجسته کنند. امیدوارم آرام‌آرام عرایض بنده را در کنار ذهن خود نگه دارید و به جای آن که سریعاً آن‌را مردود بشمارید به خودتان اجازه دهید کمی در این موارد تأمل شود. همه‌ی آنچه می‌فرمایید وجوهی برای صحت آن هست ولی کار بزرگ‌تری در پیش است که باید وجوه دیگری را نیز مد نظر قرار دهید. مکرر شنیده‌اید یک ملت به جهت تجربه‌ی صدساله‌ی خود در موضوعی، وجوهی از حقیقت را می‌یابد که سایر ملت‌ها نمی‌یابند. ما برای حضور در آینده‌ی تاریخ نیاز داریم وسیع‌تر بیندیشیم و عقل دیگری را در میان آوریم. وقتی با چیزی خلاف عقیده‌تان روبه‌رو شدید در حالی که در کلیت خود در مسیر حق قرار دارید این امکان را به خود بدهید تا برقی بر قلب شما تجلی کند و از جهتی به حقیقت مطلق که هیچ محدودیتی ندارد، نزدیک شوید. راستی اگر سخنی آن قدر معنا دارد که می‌توان در مورد آن فکر کرد توجه به آن سخن حضور در عالمی برتر نیست؟ باور نمی‌کنم شما از آن افرادی باشید که پیشاپیش سخنی که با تحلیل‌های قبلی شما نمی‌خواند را رد کنید. پس وسعتی که باید به آن نزدیک شوید را چگونه به دست می‌آورید؟ بنده هرگز شما را به یک نوع لیبرالیسم فکری و اخلاقی دعوت نمی‌کنم که با باطل همان‌طور برخورد کنید که با حق باید برخورد نمایید. برعکس؛ بنده دوستان را به یافتن چهره‌های دیگری از حقیقت دعوت می‌نمایم. همین‌طور که توصیه فرموده‌اید شاید نظرات اخیر من به این شدت که عرض کرده‌ام صحیح نباشد، به همین جهت شما را به تبعیت از خود دعوت نمی‌کنم ولی امیدوارم از پایگاهی بس عظیم‌تر از نگاه گروهی، که بنده انتظار دارم، به عرایض بنده نظر کنید و اندازه‌ی اشتباهات آن‌را دریابید در آن صورت هدیه‌ی ارزشمندی به بنده ارزانی داشته‌اید و در آن صورت برای بنده روشن می‌شود که مریدپروری نکرده‌ام بلکه عقل عزیزان را مخاطب قرار داده‌ام که همین سؤال شما گواه بر همین است

که بحمدالله نخواسته‌اید در بست عرایض بنده را بپذیرید. تعجب می‌کنم که می‌فرمایید بنده کمی از اعمال ناپسند جبهه‌ی پایداری صحبت کنم. مگر بنا بود بنده وارد چنین عرصه‌ای شوم؟ تمام تلاش بنده آن است که با وسعتی بیشتر گذشته را بازخوانی کنیم و جای هر جریان خودی را تعیین کنیم. مگر بحث تبرئه کردن یک جریان و متهم کردن یک جریان است؟ اگر بخواهیم یک روزی اشتباهات خودی‌ها را لیست کنیم برای هر کدام، مجموعه بزرگی خواهد شد. ولی بنا شد به تاریخ دیگری قدم بگذاریم و با نگاه دیگر و زاویه‌ی دیگری همدیگر را نگاه کنیم. باید در این عرصه‌ی طوفانی دریا شد، رودخانه‌ها را پذیرا گشت در حالی که گل و لای رودخانه را فرو می‌نشانیم تا رودخانه به دریا بپیوندد. می‌دانم به موضوع بس مشکل و تا اندازه‌ای مبهم شما را دعوت می‌کنم. روزی که مباحث نقد غرب را در این طبقه که شماها باشید شروع کردم باور نمی‌کردم با نسلی روبه‌رو هستیم که به‌خوبی آن مباحث را می‌پذیرد، دغدغه‌ی غرب‌زدگی دوران به ظاهر سخنانم را مبهم می‌نمایاند، ولی شماها ماوراء روح غرب‌زدگی، استقبال خوبی از عرایض بنده - که به نظرم روح نقد غرب حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بود- کردید و از عقل غربی آزاد شدید، در حالی که می‌شناسید اصول‌گرایانی را که همانند اصلاح‌طلبان نمی‌توانند از عقل تجربی آزاد شوند. امروز نیز شما را دعوت به عقلی می‌کنم که چند صد سال است آن را فراموش کرده‌ایم و در حالی بر آن پافشاری می‌کنم که نه به اصلاح‌طلبان یک امید دارم بفهمند و نه به اصول‌گرایان سنتی، با وجود آن که معتقدم چیزی را متذکر می‌شوم که خیلی بیان‌پذیر نیست ولی معتقدم معنادار است و کشف تاریخ جدید در گرو فهم معنای آن می‌باشد و نزدیکی به حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و رهبری عزیز «حفظه‌الله» در گرو فهم آن است. ظاهراً مشکلی در ساحت لفظ بنده هست که تصور فرموده‌اید انصاف در نقد آن‌هایی که با آقای احمدی‌نژاد خوب برخورد نکردند، دیده نمی‌شود. بنده شما را دعوت به جایی می‌کنم که در آن جا این مقایسه‌ها چندان ظهور ندارد. درست است که در طیف نوری هفت رنگ، زرد و سبز و آبی هرکدام غیر از دیگری هستند ولی برادر! نوری در درون آن‌ها هست که ماوراء زرد و سبز است. من شما را به ظلمت دعوت نکردم که در کنار نور آن را پذیرا باشید، بنده شما را به نوری دعوت کردم که در درون شکل‌های متکثر نور جاری است. این است معنای این که باید جایگاه تاریخی حادثه‌ها و اشخاص و افکار را در نظر گرفت. در ضمن با توجه به ارتباطی که با بعضی از رفقا دارم در این مسئله با شما هم‌نظر نیستم که رفقای ما «ریز و درشت» به هیچ وجه قادر به درک و همدلی و هم‌ساحتی در رابطه با نظر بنده نیستند. این نکته‌ی اخیر را به این جهت عرض کردم که حق این رفقا ضایع نگردد. موفق باشید